**بسم الله الرحمن الرحیم**

**خبر واحد**

**بحث انسداد**

**تنبیهات انسداد**

**تنبیه دوم**

**استاد آیت الله عندلیب همدانی**

**جلسه صد و چهاردهم\_18 خرداد 1399**

بحث در وجود مرجح برای بعضی از ظنون بود، به نسبت به بعضی دیگر. آن چه در پایان در این قسمت بیان میشود این است، به تعبیر بنده ترجیح یک ظن بر ظن دیگر، بر دو قسم است، تعبیر بنده است، عبارت از شیخ نیست. ترجیح یک ظن بر ظن دیگر مثل دیگر موارد ترجیح بعضی از امور بر بعض دیگر، بر دو قسم است:

1. آنجایی که شما به دنبال وجود ترجیح در این مظنه می گردید، که گفتیم این ها سه تاست با توضیحی که بیان شد. یعنی وجود یکی از این سه امر ظنی را بر ظن دیگر ترجیح داده است.
2. اما قسم دوم از ترجیح آنجایی است که ما یک مجموعه داشته باشیم، بعضی از افراد این مجموعه خصوصیتی داشته باشند که آنها را مرجوح قرار داده است نه تنها مرجوح بلکه اساساً از حجیت انداخته باشد، منتها ظناً، چون بحث ظنون است بقیه نه. ما یک مجموعه داریم در این مجموعه اولویت هست، شهرت هست، استقراء هست، اجماع منقول هست، خبر واحد هم هست، فرض می کنیم، اینجا از این سه مرجح هیچ کدام نیست ولی این هست که ما در اصول ثابت کرده ایم اولویت شهرت استقراء ظن به عدم حجیتشان داریم، خب در چنین جایی وقتی ظن به عدم حجیت این امور داریم، در حقیقت ظن به حجیت ان باقی مجموعه داریم، این هم خودش می شود یک مرجح منتها نه یک مرجحی در داخل این مجموعه، ترجیح این ها ظن به عدم حجیت باقی است. این منظور شیخ است.

این مرحله اول بحث.

حال که مرجحات بیان شد ببینیم این مرجحات تمام است یا تمام نیست.

هذه غایة ما یمکن ان یقال فی ترجیح بعض الظنون علی بعض.

لکن نقول: إن المسلم من هذه فی الترجیح لا ینفع و الذی ینفع غیر مسلم کونه مرجحا.

آنی که قطعا مرجح است فایده ایی ندارد، آنی که فایده دارد مرجح بودنش ثابت نیست. حالا یک به یک توضیح می دهیم. اما مرجح اول بله خودش جزء مرجحات است، بلکه اصلا کلمۀ مرجح به آن اطلاق کردن خیلی صحیح نیست، چون این معلوم الحجیة است تفصیلا و غیره مشکوک الحجیة.

آنجا که بعضی از یک مجموعه متیقن باشد بالنسبة الی الباقی، آن جا که بعضی از مجموعه واجب العمل به باشد این در حقیقت معلوم الحجیة است و غیرش مشکوک الحجیة است و تحت اصل عدم حجیت قرار می گیرد این مسامحتا حالا بهش بگید مرجح است اشکالی ندارد بالاتر از مرجح است ولی در عین حال لا ینفع، چون گفتیم آن چیزی که مرجح است لا ینفع. چرا؟ روز اول در بحث گفتم مثال ها خواهد آمد. اینجاست:

قدر متیقن کدام است؟ از بین امارات ظنیه، قدر متیقن کدام است؟ اولا برو سراغ خبر، حالا فعلا سراغ اجماع و شهرت و اینها نرو. کدام خبر؟

الذی زکی جمیع رواته بعدلین

5 تا واسطه خورده است، کمتر، بیشتر؟ کاری نداریم. جمیع سند تک تک افراد با دو تعدیل کننده تعدیل شده باشد. این یک که خیلی کم می شود.

دوم: و لم یعمل فی تصحیح رجاله و لا فی تمییز مشترکاته بظن أضعف نوعا من سائر الامارات الاخر

دو تا احمد بن محمد در این سند هست، کدام است؟ یکیش موثق است و یکی غیر موثق مثلا. شما می خواهید بگویید این احمد بن محمد موثق است، مدرک ازتان می خواهیم، یک ظنی را به عنوان مدرک می آورید که این مثلا از شهرت و قیاس اولویت و ... اضعف است، از امارات دیگر غیر از خبر، مثلا می گویید اطلاق المطلق ینصرف الی فرد اکمله، پس این احمد بن محمد است مثلا. خب اگر این وجه مرجح خودش از بعضی از هم خانواده های خبر اضعف بود، این دیگر متیقن نیست، این چه نوع تیقنی است؟

یا یک سندی است راوی در آنجا هست، شما می خواهید این راوی را با وجوهی تعدیل کنید که آن وجوه از دیگر خانواده های خبر واحد اضعف است، خب این فایده ایی ندارد. پس اگر هم می خواهید سند تصحیح کنید، مشترکات را تمییز بدهید، ظنونی که در این جا به کار می برید، اضعف نوعاً از سائر امارات دیگر غیر از خبر نباشد. این دوم.

سوم؛ و لم یوهن لمعارضته شئ منها

خبری که عدلین توثیقش کردند، از این فیلتر ها گذشته است، در این تصحیح الروایة معارضی هم ندشاته باشند، این دو نفر مثلا بگویند موثق است آن دو نفر بگویند غیر موثق است، این دیگر قدر متیقن نیست.

چهارم؛ و کان معمولا به عند الاصحاب کلا أو جلا

روایت را هم اصحاب کنار نگذاشته باشند، یا به همه اش عمل کرده باشند یا حداقل به اکثرش عمل کرده ابشند، به ان قسمتی که شما باهاش کار دارید، عمل کرده باشند، به آن بخشی که شما می خواهید بهش فتوا بدهید عمل کرده باشند.

پنجم؛ و مفیدا للظن الاطمینانی بالصدور،

از این مجموعه شما یک ظن اطمینانی به صدور پیدا کرده باشید، از مجموعه این قرائن و شواهد. آن وقت اگر چنین چیزی را پیدا کردید این می شود متیقن، هر کدام از این 5 قید، که منتفی شد، احتمال این که خبر مقابل حجت باشد، هست. پس این متیقن نیست. خدا وکیلی این گونه خبری که این 5 فیلتر را بتواند عبور بکند کم نیست؟ تازه اگر کم نباشد و از این حرف هم بگذریم، مخصصات و مقیدات در امارات اخر چه؟ آن ها را چه می گویید؟ نهایت این می شود مثل ظواهر کتاب، که با قطع نظر از مخصصات و مقیدات نمی توانید به این عمل کنید. ان مخصصات و مقیدات کجاست؟ بین همین روایات دیگر است. پس یک چیزی که مسلم و متیقن باشد العمل علی طبقه پیدا نکردید، مگر این که متیقن بالنسبة بالاضافة الی ما بقی، یعنی متیقن نسبی،. متیقن نسبی هم که دیگر متیقن بلا قید نیست.

پس مرجح اول خوب ولی بر فرض که نادر نباشد که هست باید با همین امارات دیگر دنبال تقیید و تخصیصش بگردید، چه متیقنی که بتواند از همه این مراحل، عبور کند؟

حالا که متیقنی نبود، مرجحی نبود، تعمیم ثابت می شود.

و صلی الله علی سیدنا و نبینا محمد صلی الله علیه و آله و سلم.